

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

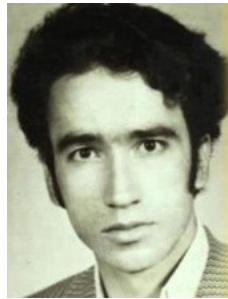
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۲۳ نومبر ۲۰۲۲



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

درس عشق

جز هوای تو ندارم در سر
چشم خونین و ترم باز نگر
دل ز عشق تو تپد چون بسمل
سنگ از دست تو خوش تر از لعل
به من ای دوست دگر خرده مگیر
درس عشق تو ندارد لازم
ورقش هست همان پرده دل
مشعل راه من اندیشه سرخ
پرتو افشانی آن مردم را
همچو خورشید درخشنده سرخ
نه زوالش بود از گردش چرخ
به من آموخت چسان باید زیست
چاکر درگه غولان کردم
با دوصد ننگ چو خاین میرم

جز تو هرگز نپسندم دلبر
اگر ت نیست به دردم باور
خون دل میچکد از دیده تر
خاک از پای تو بهتر از زر
که ندارم ورقی از دفتر
قلم و خامه، کتاب و دفتر
قلمش نیز همین مژه تر
که بود خلق جهان را رهبر
مینماید ره پیکار و ظفر
سر بر آورده ز کوه خاور
نه شود هیچ فروغش کمتر
یا کدام مرگ پذیرفت آخر
یا کنم بسته به پیکار کمر
یا به آزادی، افراشته سر

چشم بگشودم و دیدم افسوس
خلق محروم و ستمدیده آن
دیدم آغشته به صد گونه مرض
گه نیابند همان نیمه نان
خون ما، شیره جان ما را
نه ز فریاد و فغان سود آید
نه ز اوراد پذیرد بهبود
چون که ملا و نقیب و حضرت
از چه ویرانه نگرده کشور
به من آموخت که از سازش و صلح
کشور ما نشود آبادان
نعش گندیده دشمن سوزد
به من آموخت نباید باشم
عمر جاوید ندارد ظلمت
به من آموخت که باید باشم

تا که فردا زخم آتش "سرمد"

هستی دشمن مردم یکسر